

مقیاس سیستمی - مثلثی خانواده:
ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آنها

Family Triad Systemic Scale: An Instrument for Assessment of
Relationships between Couple and Families of Origin

M. Cheraghi, Ph.D.

Department of Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

M.A. Mazaheri, Ph.D.

Department of Psychology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

F. Mootabi, Ph.D.

Family Research Institute, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

L. Panaghi, Ph.D.

Family Research Institute, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

M.S. Sadeghi, Ph.D.

Family Research Institute, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

K. Salmani, M.A.

Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

دکتر مونا چراغی ✉

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر لیلی پناغی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره السادات صادقی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

خدیدجه سلمانی

مرکز بهداشت روستانزاد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی البرز

دریافت مقاله: ۹۶/۱/۱۶

دریافت نسخه اصلاح شده: پذیرش بدون اصلاحات

پذیرش مقاله: ۹۶/۴/۱۴

Abstract

The purpose of the present study was providing an instrument based on Family Triad Systemic Model (FTSM) to assess the relationships between couples and two families of origin and checking the psychometric properties of it in Iran. An item pool of 107 was created by using other previous related tools, consultation with experts and interviews with married people. Then 425 participants (82 males and 343 females) selected through accessible

✉Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.
Email: m_cheraghi@sbu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تهیه ابزاری برای سنجش کیفیت رابطه همسران با خانواده‌های یکدیگر و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن بر اساس مدل سیستمی - مثلثی خانواده ایرانی انجام گرفت. یک مخزن گویه ۱۰۷ ماده‌ای با استفاده از ابزارهای مرتبط پیشین و مشورت با متخصصان و مصاحبه با افراد متأهل، تهیه و توسط ۴۲۵ نفر (۸۲ مرد و ۳۴۳ زن) که به شکل در دسترس انتخاب شده بودند، پاسخ داده شد.

✉نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیکی: m_sadeghi@sbu.ac.ir

sampling method conducted the questionnaire. By Principal Component Analysis and Varimax rotation three factors of wellness (17 items), boundaries (35 items), and joining in-laws (35 items) were extracted supporting the FTSM. Three factor model could explain 47.27% of total variance. Face validity of instrument was examined by eight experts. The Intra class Correlation Coefficients for wellness, boundaries and joining the in-laws respectively were: 0.84, 0.81, 0.86 ($p < 0.001$). Cronbach's Alpha for all items was 0.98 and for wellness, boundaries and joining the in-laws subscales respectively were: 0.95, 0.96, and 0.97. Test-retest coefficient after 15 days for whole scale was 0.96 and for wellness, boundaries and joining the in-laws subscales respectively were: 0.95, 0.94, and 0.90.

Keywords: Relationship with in-laws, Iranian family, Family Triad Systemic Model (FTSM), Family Triad Systemic Scale (FTSS).

پس از انجام تحلیل عامل اکتشافی به شیوه متعامد، سه عامل اتحاد با همسر (۱۷ ماده)، مرزبندی منعطف بین همسر و خانواده‌اش (۳۵ ماده) و پیوستگی با خانواده همسر (۳۵ ماده) استخراج شد که همسو با نظریه سیستمی - مثلثی و قادر به پیش‌بینی ۴۷/۲۷ درصد واریانس کل بود. روایی صوری مقیاس بر اساس نظر هشت متخصص و با استفاده از ضریب توافق (ضریب همبستگی درون‌طبقه‌ای) محاسبه شد که برای خرده‌مقیاس اتحاد زناشویی ۰/۸۴، مرزبندی منعطف ۰/۸۱ و پیوستگی ۰/۸۶ ($p < 0.001$) بود. ضریب آلفای کرونباخ برای تمام سوالات پرسشنامه ۰/۹۸ و برای زیرمقیاس‌های اتحاد، مرز و پیوستگی به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۵، ۰/۹۶ و ۰/۹۷. ضریب پایایی پس از ۱۵ روز برای کل پرسشنامه ۰/۹۶ و برای زیرمقیاس‌های اتحاد، مرز و پیوستگی به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۵، ۰/۹۴ و ۰/۹۰.

کلیدواژه‌ها: ارتباط با خانواده همسر، خانواده ایرانی، مدل سیستمی - مثلثی خانواده، مقیاس سیستمی - مثلثی خانواده

مقدمه

نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران که به بررسی عوامل دخیل یا مرتبط با ناسازگاری زناشویی و طلاق در زوجین ایرانی پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که عواملی همچون متغیرهای جمعیت‌شناختی، خصوصیات روان‌شناختی، دوره‌های تحول زندگی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، مسائل اقتصادی، مشکلات جنسی، متغیرهای بین زوجین و بالاخره متغیرهای بین خانواده‌ها در پیش‌بینی ناسازگاری زناشویی و طلاق نقش مهمی ایفا می‌کنند (بوآله‌ری، رمضان‌زاده، عابدی‌نیا، نقی‌زاده، پهلوانی و صابری^۱، ۱۳۹۱؛ چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی، صادقی و سلمانی^۲، ۱۳۹۴b؛ صادقی، مظاهری، موتابی و زاهدی^۳، ۲۰۱۲؛ مظاهری، صادقی، روشن، اشتریان، احمدی، حمیدی و همکاران^۴، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد از بین عوامل مطرح شده، متغیرهای مربوط به خانواده زوجین، از سهم قابل توجه و بسیار مهمی در پیش‌بینی طلاق زوجین ایرانی برخوردار است. به گونه‌ای که در تحقیقات متعددی جزء پنج عامل اول پیش‌بین طلاق در ایران گزارش شده است (فاتحی‌زاده، بهجتی‌اردکانی و نصرآصفهانی^۵، ۱۳۸۴؛ سامانی^۶، ۱۳۸۶؛ زرگر و نشاط‌دوست^۷، ۱۳۸۶؛ قطبی، هلاکویی، جزایری و رحیمی^۸، ۱۳۸۳؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷). بر این اساس، در سازگاری زناشویی زوجین ایرانی تنها کیفیت ارتباط بین زن و شوهر مهم تلقی نمی‌شود، بلکه کیفیت تعاملات آن‌ها با خانواده یکدیگر نیز اهمیت زیادی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی آن‌ها ایفا می‌کند. بنابراین خانواده‌های اصلی زن و

شوهر و کیفیت ارتباط بین زوج و آن‌ها، نقش مهمی در سازگاری و ثبات زندگی زناشویی، کیفیت و پایداری روابط زوجین ایرانی ایفا می‌کند. با توجه به آن که یکی از موضوعات تعارض برانگیز و پربسامد در روابط زوجین ایرانی مسائل مربوط به خانواده‌های یکدیگر است (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴b؛ صادقی و همکاران، ۲۰۱۲؛ عباسعلی‌زاده^۹، ۱۳۸۹) که می‌تواند در موارد متعددی زمینه‌ساز مراجعه آن‌ها به متخصصان زوج‌درمانگر و خانواده‌درمانگر باشد، نیاز به ابزارهایی برای سنجش کیفیت روابط همسران با اقوام سببی کاملاً محسوس است.

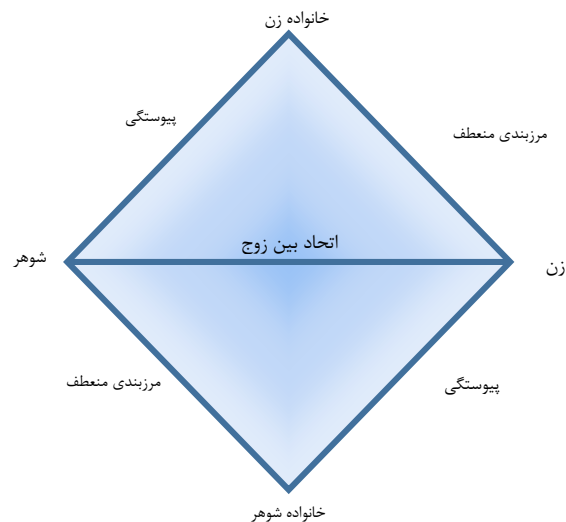
بررسی‌های صورت گرفته توسط مؤلفان برای یافتن ابزارهای معتبری که به شکل اختصاصی به سنجش تعاملات همسران و خانواده‌های یکدیگر بپردازد، نتیجه‌چندانی در پی نداشت. البته در برخی از پرسش‌نامه‌های مطرح در زمینه سنجش رضایت و سازگاری زناشویی (مانند ENRICH^۱، DAS^{۱۱} یا MAT^{۱۲}) ماده‌هایی به سنجش میزان رضایت یا توافق همسران درباره نحوه تعاملات با خانواده‌های یکدیگر اختصاص یافته است. اما با توجه به تعداد محدود ماده‌های مذکور در پرسش‌نامه و حیطة محدود مورد سنجش توسط آن‌ها در باب رابطه با اقوام سببی، استفاده از آن‌ها در امور پژوهشی و بالینی، با محدودیت‌هایی همراه است.

نگاهی به نتایج منتشر شده در پژوهش‌های حوزه خانواده در ایران که کیفیت رابطه با اقوام سببی را به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست ازدواج در جامعه ایران معرفی کرده‌اند (بوله‌ری و همکاران، ۱۳۹۱؛ چراغی و همکاران، ۱۳۹۴b؛ فاتحی‌زاده، بهجتی و نراسفهان‌ی، ۱۳۸۴؛ صادقی، مظاهری، موتابی و زاهدی، ۲۰۱۲؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷)، این سؤال را در ذهن مطرح می‌کند که آیا کیفیت رابطه زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر و میزان اثرگذاری آن بر روابط همسران در همه فرهنگ‌ها مشترک و مشابه است، یا این که به ویژگی‌های خاص فرهنگی جامعه و خانواده ایرانی مرتبط است؟ پاسخ به این سؤال خود زمینه‌ساز سؤالات دیگر خواهد شد. مثل این که آیا می‌توان از ابزارهای سنجش موجود که دارای ماده‌هایی برای ارزیابی روابط همسران با خانواده‌های یکدیگر هستند، مانند ENRICH، DAS و MAT، برای سنجش روابط زوجین ایرانی با خانواده‌های یکدیگر استفاده کرد؟ برای پاسخ به سؤال اول بررسی نتایج برخی پژوهش‌های خارجی که عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی را مورد سنجش قرار داده‌اند، کمک‌کننده خواهد بود. در پژوهش‌های متعددی که در بافت فرهنگی فردگرایی غربی صورت گرفته‌اند، کیفیت رابطه زوج با خانواده‌های اصلی یکدیگر به عنوان عاملی مهم و تعیین‌کننده سازگاری زناشویی گزارش نشده است. اغلب در این پژوهش‌ها عواملی چون میزان زمان سپری شده در کنار هم، فعالیت‌های لذت‌بخش دو نفره، امنیت مالی، مهارت‌های حل مسئله، برخورداری از منابع حمایت بیرونی، رضایت جنسی، مهارت مقابله با استرس و مهارت‌های ارتباطی در صدر عوامل پیش‌بینی‌کننده سازگاری و ثبات زندگی زناشویی ذکر شده‌اند (اسپیچر، ونزل و هاروی^{۱۳}، ۲۰۰۸؛ اولسون، دفراین و اسکوگراند^{۱۴}، ۲۰۱۱؛ گریف^{۱۵}، ۲۰۰۰). این نتایج یادآور این نکته هستند که به جز عوامل مشترکی که در جوامع مختلف با سازگاری و رضایت زناشویی مرتبطند، در هر جامعه شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل بومی و خاص فرهنگ مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد (هاتفیلد، رپسون و مارتل^{۱۶}، ۲۰۰۷)، زیرا افراد در بافت‌های فرهنگی مختلف اولویت‌ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارا می‌باشند که نحوه تحقق آن‌ها می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (پفیفر، میلر، لی و هسیاو^{۱۷}، ۲۰۱۳). لذا نوع مشکلات زوجین، موضوعات مرتبط با سازگاری و رضایت

زناشویی در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. به این معنی که ممکن است در فرهنگی رفتارهای خاصی با ناکارآمدی عملکرد زوجین مرتبط باشند، در حالی که در فرهنگی دیگر همان رفتارها در عملکرد زوجین مشکلی ایجاد نکنند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۷). بدین ترتیب به نظر می‌رسد که مسئله کیفیت روابط با اقوام سببی یکی از موضوعات وابسته به فرهنگ و مرتبط با سازگاری زناشویی در جامعه ایران است که چندان در جوامع غربی مهم گزارش نشده است. بنابراین شاید استفاده صرف از ابزارهای ساخته شده در چنین جوامعی که برآمده از مطالعات افراد متعلق به بافت فرهنگی متفاوتی از جامعه ایران می‌باشند، برای سنجش رابطه زوج‌های ایرانی با خانواده‌های یکدیگر مناسب نباشد.

مسئله ارتباط زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر و بررسی عوامل دخیل و مرتبط با این رابطه، به شکل مفصل در مجموعه مطالعات کیفی (چراغی^{۱۸}، ۱۳۹۳) و کمی (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی^{۱۹}، ۱۳۹۳؛ چراغی و همکاران، ۱۳۹۴b؛ چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی^{۲۰}، ۱۳۹۴a) مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل این مطالعات منسجم و هماهنگ استخراج یک مدل از روابط حاکم بر خانواده ایرانی بوده که تحت عنوان مدل سیستمی - مثلثی خانواده نام گرفته است. با وجود آن‌که در مطالعات مذکور هدف، شناسایی ماهیت رابطه با اقوام سببی بوده است، اما جمع‌بندی نتایج حاصله نشان داد که ظاهراً رابطه با خانواده سببی امری مستقل نیست که بتوان آن را بدون ارتباط با سایر متغیرهایی چون روابط بین همسران و رابطه بین هر یک از همسران با خانواده اصلی در نظر گرفت. طبق یافته‌ها عملکرد هر یک از اجزای سه‌گانه همسر فرزند، خانواده همسر و همسر میانجی بر کیفیت رابطه بین همسر فرزند و خانواده همسر تأثیر خواهد داشت. به عبارت بهتر، این سه جزء در کنار هم مثلثی را می‌سازند که یکی از اضلاع این مثلث شامل رابطه همسر فرزند - خانواده همسر است. اما این ضلع مستقل از سایر اضلاع (رابطه بین همسران و رابطه بین همسر میانجی و خانواده همسر) نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر اضلاع دیگر مثلث قرار دارد. بنابراین بر اساس یافته‌ها، کیفیت رابطه با خانواده همسر تحت تأثیر یک سیستم بزرگ‌تر قرار می‌گیرد. هر یک از این سه جزء بر کیفیت رابطه با خانواده همسر مؤثرند و نحوه تعامل هر یک از این سه جزء با یکدیگر بر کیفیت رابطه مذکور اثر می‌گذارد. در نهایت نحوه چینش این سه جزء در کنار هم و نوع تعاملات بین آن‌ها می‌تواند کیفیت رابطه همسر فرزند و خانواده همسر را پیش‌بینی کند. شکل ۱ مدل سیستمی - مثلثی خانواده در ایران را ارائه می‌نماید. طبق مدل مثلثی - سیستمی بین همسران و خانواده‌های اصلی یکدیگر، روابط مثلثی ایجاد می‌شود که کیفیت روابط در هر یک از اضلاع مثلث مذکور بر کیفیت روابط در سایر اضلاع تأثیر خواهد داشت. در حالت بهینه هر یک از اضلاع ویژگی شاخصی را داراست. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، در ضلع مربوط به رابطه همسران مهم‌ترین مقوله، وجود اتحاد بین همسران است. در ضلع مربوط به رابطه همسر فرزند و خانواده همسر مهم‌ترین مقوله پیوستگی است. در ضلع رابطه بین همسر میانجی و خانواده همسر مهم‌ترین مقوله مرزهای منعطف است. به عبارت دیگر در حالت ایده‌آل یک ازدواج، همسران با یکدیگر احساس اتحاد دارند، بین همسر میانجی و خانواده‌اش مرزهای منعطفی شکل گرفته است و همسر فرزند به خانواده همسر پیوسته است. به بیان دیگر وقتی فردی با خانواده همسرش رابطه مطلوبی را تجربه می‌کند، به این معنی است که نسبت به خانواده همسرش احساس پیوستگی و عضویت می‌کند.

اما پیوستگی با خانواده همسر با وجود مرز بین همسر فرد با خانواده‌اش و وجود اتحاد بین دو زوج نیز مرتبط است (چراغی، ۱۳۹۳). جدول ۱ نیز هر یک از مقوله‌های مذکور و زیرمقوله‌های مرتبط با آن‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل سیستمی - مثلثی خانواده

با توجه به جامعیت مدل سیستمی - مثلثی و شواهد موجود دال بر روایی مدل مذکور و فقدان ابزارهای دقیق بومی برای سنجش روابط زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر، مؤلفان بر آن شدند که در چارچوب مدل سیستمی - مثلثی که برآمده از مطالعات عمیق در جامعه ایرانی است، ابزاری مناسب برای اهداف پژوهشی و بالینی تهیه کنند. بنابراین هدف پژوهش حاضر تهیه مقیاسی مبتنی بر نظریه سیستمی - مثلثی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن بوده است.

جدول ۱: معرفی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مربوط به نظریه سیستمی - مثلثی خانواده (چراغی، ۱۳۹۳)

مقوله‌ها	اتحاد بین همسران	مرزهای منعطف بین هر یک از همسران و خانواده اصلی‌شان	پیوستگی بین هر یک از همسران با خانواده مقابل
زیرمقوله‌ها	صمیمیت (توانایی درک احساسات همسر)	تعاملات مطلوب بین همسر و خانواده‌اش	شکل‌گیری چرخه‌های تعامل مطلوب
	جبهه مشترک	استقلال فکری و رفتاری	به رسمیت شناختن جایگاه طرف مقابل در زندگی همسر میانجی (پذیرش حضور طرف مقابل، فقدان رقابت با طرف مقابل)
	فقدان تبعیض رفتاری در روابط نسبی و سببی	فیلتر اطلاعات	فقدان تبعیض رفتاری در روابط نسبی و سببی

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع ساخت ابزار بوده است. جامعه آماری در این مطالعه عبارت بود از کلیه افراد متأهل ساکن تهران و کرج که در خانواده اصلی همسر آنها حداقل یک عضو (مادر، پدر، خواهر یا برادر) موجود باشد.

شیوه نمونه‌گیری در این مطالعه به شیوه در دسترس بود. به این گونه که در مکان‌های عمومی اعم از شعب بانک، پارک‌ها، ایستگاه‌های مترو و سالن‌های ورزشی، دانشگاه و غیره از افراد متأهل برای شرکت در پژوهش دعوت می‌گردید و در صورت رضایت، از آنها خواسته می‌شد به پرسش‌نامه پاسخ دهند. معمولاً تعداد افراد نمونه مورد نیاز برای تحلیل عوامل به تعداد متغیرهای مورد سنجش بستگی دارد. در مورد حجم نمونه مورد نیاز در تحلیل عوامل اتفاق نظر جامعی وجود ندارد. گاهی بیان می‌شود که به ازای هر گویه یا سؤال در پرسش‌نامه ۱۰ نفر نمونه مورد نیاز است. در حالی که برخی معتقدند به ازای هر گویه حداقل سه نفر نمونه لازم خواهد بود. گاهی در مورد حجم نمونه مورد نیاز برای انجام تحلیل عوامل بیان می‌شود که تعداد ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر کافی است (مونرو^{۲۱}، ۲۰۰۱). تعداد افراد نمونه در این پژوهش ۴۲۵ نفر (۸۲ مرد و ۳۴۳ زن) بود. میانگین سن افراد شرکت‌کننده ۳۶/۴۸، با انحراف معیار ۹/۷۷ بود. میانگین طول مدت ازدواج افراد ۱۲/۹۴ با انحراف معیار ۱۰/۹۶ و میانگین تعداد فرزندان ۱/۱۵ با انحراف معیار ۱/۰۵ محاسبه شد. سطح تحصیلات ۳۳ نفر زیر دیپلم، ۱۱۸ نفر دیپلم، ۳۱ نفر کاردانی، ۱۴۵ نفر کارشناسی، ۶۶ نفر کارشناسی ارشد و ۱۹ نفر دکتری بود.

بررسی‌های مؤلفان نشان داده بود که ظاهراً پرسش‌نامه‌ای خاص برای سنجش کیفیت رابطه با خانواده همسر موجود نیست. از طرفی مطالعه جامعی که توسط چراغی (۱۳۹۳) صورت گرفته بود، حاکی از آن بود که موضوع ارتباط با خانواده همسر موضوعی مستقل نیست، بلکه مسئله‌ای است که از طریق مدل سیستمی - مثلثی قابل درک است. بنابراین محققان بر آن شدند که بر اساس مدل استخراج شده در فاز اول پژوهش حاضر، به طراحی و تدوین یک ابزار سنجش بپردازند. بنابراین لازم بود ابزار مورد نظر برای سنجش وضعیت روابط سیستمی - مثلثی، اطلاعاتی را در سه بعد اتحاد بین همسران، وجود مرز بین همسر فرد و خانواده همسر و پیوستگی فرد با خانواده همسرش مورد ارزیابی قرار دهد.

برای ساخت ابزار ابتدا لازم بود که یک مخزن گویه^{۲۲} تهیه گردد. مؤلفان برای ساخت مخزن گویه از چند منبع سود جستند. منبع اول اظهارات افراد مصاحبه‌شونده (شامل ۶ نفر عروس راضی، ۱۱ نفر عروس ناراضی، ۳ نفر داماد راضی، ۲ نفر داماد ناراضی، ۳ نفر والدین راضی، ۳ نفر والدین ناراضی و ۳ نفر از متخصصان حوزه زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی) در پژوهش چراغی (۱۳۹۳) بود. بدین ترتیب که مؤلفان متن پیاده‌شده کلیه مصاحبه‌ها در تحقیق مذکور را مطالعه نمودند. سپس جملاتی از مصاحبه‌ها که به مفاهیم و مقوله‌های مورد نظر (اتحاد، مرز، پیوستگی) مربوط می‌شدند، استخراج می‌گردیدند و به مخزن سؤالات اضافه می‌گردیدند. در انتخاب این جملات سعی بر آن بود جملاتی که از بسامد بیشتری بین افراد راضی و ناراضی برخوردار بودند و به مقولات و زیرمقولات بیشتر مرتبط بودند، انتخاب گردند.

منبع دوم برای تهیه مخزن گویه، سؤالات پرسش‌نامه مورد استفاده در مطالعه‌ای مقدماتی درباره رابطه بین افراد متأهل با خانواده سببی بود که در پژوهش چراغی و همکاران (۱۳۹۳ و ۱۳۹۴a) مورد استفاده قرار

گرفته است. نحوه ساخت این پرسشنامه و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن در مقالات منتشر شده به تفصیل توضیح داده شده است.

منبع سوم در تهیه مخزن گویه، انجام بارش ذهنی توسط هشت متخصص روان‌درمانگر در حوزه زوج‌درمانی و خانواده بود. به این گونه که مؤلف اول با توضیح کامل مدل سیستمی - مثلثی به متخصصان مذکور و تصریح مقولات و زیرمقولات (اتحاد، مرز، پیوستگی) مرتبط به مدل، از آن‌ها درخواست می‌کرد که هر گویه‌ای را که معتقدند قادر به سنجش مقولات و زیرمقولات مذکور (اتحاد، مرز، پیوستگی) می‌باشد، مطرح نمایند.

منبع چهارم برای تهیه مخزن گویه، استفاده از پرسشنامه‌هایی بود که دارای موادی بودند که مستقیم یا غیرمستقیم مقولات و زیرمقولات مدل سیستمی - مثلثی (اتحاد، مرز، پیوستگی) را می‌سنجیدند. مهم‌ترین پرسشنامه‌ها، پرسشنامه انریچ (فرم بلند ۱۱۵ سؤالی)، مقیاس خانواده اصلی^{۲۳} (هوستاد، اندرسون، پیرسی، کوچران و فاین^{۲۴}، ۱۹۸۵)، مقیاس جو خانواده^{۲۵} (موس و موس^{۲۶}، ۱۹۹۴) و پرسشنامه تجدید نظر شده تمایز خویشتن^{۲۷} (اسکورن و اشمیت^{۲۸}، ۲۰۰۳) بود. دلیل استفاده از پرسشنامه‌های مذکور وجود زیرمقیاس‌هایی مرتبط با رضایت افراد از نحوه برقراری رابطه با اعضای خانواده و دوستان و نحوه ارتباط با خانواده اصلی بود. در صورت لزوم مؤلفان با تغییر گویه‌های مربوطه آن‌ها را به گونه‌ای بازنویسی می‌کردند که برای سنجش کیفیت رابطه بین سه جزء مدل سیستمی - مثلثی مناسب باشند.

بنابراین با استفاده از چهار منبع مذکور یک مخزن گویه طراحی شد که سه ضلع مدل سیستمی - مثلثی (اتحاد، مرز، پیوستگی) را از منظر فرد پاسخ‌دهنده (افراد متأهل) می‌سنجیدند. تعداد گویه‌ها در این مرحله برابر با ۲۱۸ بود. در گام بعدی برای بررسی مخزن گویه‌ها، برای ۸ متخصص زوج‌درمانی و خانواده ارسال گردید و از آن‌ها درخواست شد که هر یک از گویه‌ها را از نظر مرتبط بودن با مقولات و زیرمقولات مورد سنجش (اتحاد، مرز، پیوستگی) و میزان قابل درک بودن، درجه‌بندی نمایند. پس از دریافت نظر متخصصان و بازنویسی گویه‌ها بر اساس نظرات اصلاحی آنان، تعداد ۱۰۷ گویه نهایی انتخاب شد.

روش نمره‌دهی به گویه‌ها به شیوه لیکرت بود. پاسخ‌ها به صورت طیفی، متشکل از پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، هم موافق و هم مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم بود. هر سؤال نمره‌ای از ۰ تا ۴ را دریافت می‌نمود. برخی سؤالات به شکل مستقیم و برخی به شکل معکوس نمره‌گذاری می‌شدند. نمره بالاتر به معنای وضعیت بهتر رابطه در هر ضلع مثلث بود.

برای اطمینان از قابل درک بودن گویه‌ها برای افراد عادی و غیرمتخصص در حوزه روان‌شناسی، گویه‌ها برای نظرسنجی به پنج فرد متأهل با سطح تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در رشته‌های غیرمرتبط با روان‌شناسی ارائه گردید و از افراد مذکور خواسته شد درباره قابل درک بودن گویه‌ها نظر خود را اعلام نمایند. میانگین سنی این افراد ۳۳/۶۰ و انحراف معیار برابر با ۳/۸۵ بود. این افراد شامل ۳ زن و ۲ مرد بودند. پس از اعمال تغییرات لازم در گویه‌ها بر اساس نظرات افراد عادی، تعداد ۴۲۵ نفر که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، به پرسشنامه پاسخ دادند. پس از ورود نمرات به نرم‌افزار SPSS یافته‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند.

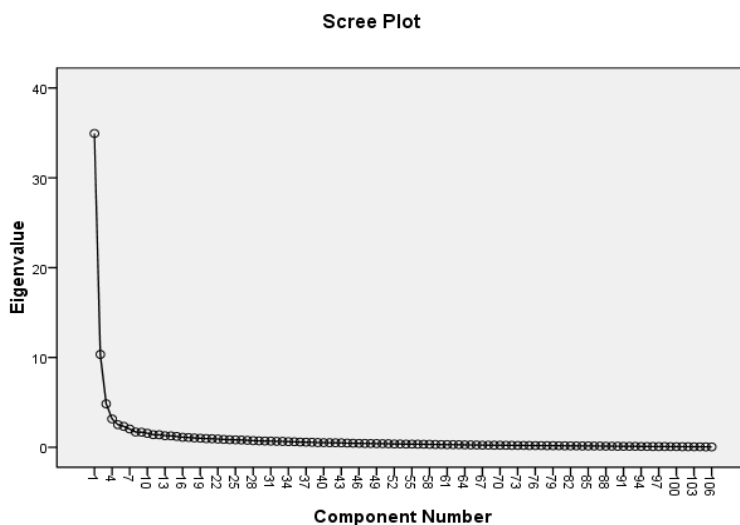
یافته‌ها

روایی صوری: به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه، هشت تن از متخصصان روان‌شناسی که در حوزه زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی فعالیت داشتند، پرسش‌نامه را بررسی و درباره تطابق گویه‌های آن با مفاهیم مورد سنجش نظر دادند. از هشت متخصص مذکور پنج نفر دارای مدرک دکتری در رشته روان‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه بودند که دارای سابقه تدریس، پژوهش و درمان در حوزه زوج‌درمانی یا خانواده‌درمانی بودند. سه متخصص دیگر دارای مدرک کارشناسی ارشد در روان‌شناسی بالینی و خانواده‌درمانی بودند که به شکل فعال در زمینه زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی فعالیت داشتند. حداقل سابقه درمانگری در این افراد دو سال بود. نظرات متخصصان مذکور درباره گویه‌های پرسش‌نامه اعمال گردید. متخصصان از نظر صوری و محتوایی توان پرسش‌نامه را در سنجش سه مقوله اتحاد بین همسران، مرز بین همسر میانجی و خانواده همسر و پیوستگی فرد با خانواده همسر را مناسب ارزیابی کردند. برای محاسبه ضریب توافق از ضریب همبستگی درون طبقه‌ای استفاده شد. ضریب توافق محاسبه شده برای خرده‌مقیاس اتحاد زناشویی ۰/۸۴، مرزبندی منعطف ۰/۸۱ و پیوستگی ۰/۸۶ ($p < ۰/۰۰۱$) بود.

روایی سازه: برای بررسی روایی سازه ابزار از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. در گام اول تحلیل عوامل پرسش‌نامه، برای اطمینان از تناسب اندازه نمونه (۴۲۵ نفر)، از آزمون کفایت نمونه‌گیری $KMO^{۲۹}$ و آزمون کرویت بارتلت^{۳۰} استفاده شد. نتیجه آزمون KMO برابر با ۰/۹۳ و معنادار بود. نتیجه آزمون کرویت بارتلت نیز از نظر آماری معنادار بود ($p < ۰/۰۰۱$ ، $df=۵۶۷۱$ ، $\chi^2=۲/۳۱$).

برای تعیین اعتبار سازه پرسش‌نامه از تحلیل عوامل اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^{۳۱} و چرخش واریماکس^{۳۲} استفاده شد. زیرا طبق مدل سیستمی- مثلثی سه مؤلفه اصلی مدل شامل اتحاد بین همسران، مرز بین همسر میانجی و خانواده همسر و پیوستگی فرد با خانواده همسر، سه مقوله مستقل از هم محسوب می‌شوند. اگرچه در حوزه علوم روان‌شناختی معمولاً متغیرها تا حدی با یکدیگر همبسته‌اند، اما بررسی‌های صورت گرفته در پیشینه پژوهش حاکی از آن بود که متغیرهای مذکور (اتحاد، مرز، پیوستگی) در مواردی مستقل از یکدیگر بروز می‌نمایند. به این معنی که در یک سیستم گاه شاهد وجود اتحاد بدون شکل‌گیری پیوستگی هستیم (چراغی، ۱۳۹۳). بنابراین بر اساس شواهد موجود در این مورد استفاده از روش چرخش واریماکس مناسب‌تر به نظر می‌رسید.

طبق نمودار اسکری (شکل ۲) ۱۹ عامل دارای ارزش ویژه^{۳۲} بالاتر از یک هستند. بر اساس قاعده آرنج^{۳۴}، انتخاب راه‌حل سه‌عاملی مناسب به نظر می‌رسید. جدول ۲ مجموع واریانس توجیه شده توسط سه عامل را نشان می‌دهد. سه عامل مذکور روی هم رفته قادر به تبیین ۴۷/۲۷ درصد از واریانس کل می‌باشند.



شکل ۲: نمودار اسکری عوامل مربوط به پرسش نامه

جدول ۳ ماتریس عاملی چرخش یافته واریماکس را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که برای دستیابی به الگویی واضح‌تر، گویه‌هایی از پرسش‌نامه که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، حذف گردیدند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود ۳۵ گویه روی عامل اول، ۳۵ گویه روی عامل دوم و ۱۷ گویه روی عامل سوم بارگذاری شده‌اند. پس از بررسی گویه‌ها و حذف گویه‌هایی که روی دو عامل بارگذاری شده بودند، تعداد ۸۷ گویه باقی ماندند که در جدول ارائه شده‌اند.

جدول ۲: مجموع واریانس توجیه شده توسط سه عامل مستخرج

عوامل	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تراکمی واریانس تبیین شده
۱	۳۴/۹۴	۳۲/۹۶	۳۲/۹۶
۲	۱۰/۳۴	۹/۷۵	۴۲/۷۱
۳	۴/۸۳	۴/۵۶	۴۷/۲۷

همان‌طور که از مطالعه گویه‌های مرتبط با هر عامل برمی‌آید، عامل اول به کیفیت رابطه مطلوب پاسخ‌دهنده با خانواده همسر اشاره دارد که در مدل سیستمی - مثلثی پیوستگی خوانده می‌شود. عامل دوم به تمایز یافتگی و وجود مرز بین همسر میانجی و خانواده همسر اشاره دارد که در مدل سیستمی - مثلثی از آن تحت عنوان مرز منعطف یاد می‌شود. سومین عامل نیز به وجود اتحاد بین همسران مربوط می‌شود که در مدل سیستمی - مثلثی به آن اتحاد گفته می‌شود. بنابراین سه عامل مستخرج به نام‌های پیوستگی، مرز منعطف و اتحاد نام‌گذاری گردیدند.

جدول ۳: ماتریس عاملی چرخش یافته واریماکس و بار عاملی مرتبط با هر گویه

شماره	گویه	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳
۷۹	خانواده همسر مرا مانند فرزند خودشان دوست دارند.	۰/۸۰۳		
۸۱	خانواده همسر قدر من را می‌دانند.	۰/۸۰۱		
۸۲	خانواده همسر با من رفتار صادقانه‌ای دارند.	۰/۷۸۱		
۷۶	خانواده همسر تمام سعی‌شان را می‌کنند تا رابطه خوبی با من داشته باشند.	۰/۷۷۵		
۸۶	احساس می‌کنم برای اعضای خانواده همسر یک غریبه‌ام.	۰/۷۷۱		
۸۳	خانواده همسر همیشه احترام من را حفظ کرده‌اند.	۰/۷۴۴		
۸۴	در صورت بروز مشکل یا بیماری برای من، اعضای خانواده همسر از من حمایت می‌کنند.	۰/۷۳۸		
۱۰۶	با اعضای خانواده همسر رابطه‌ای گرم و صمیمی دارم.	۰/۷۳۵		
۹۸	خانواده همسر نسبت به من حالت تدافعی دارند.	۰/۷۲۲		
۸۹	خانواده همسر فکر می‌کنند من می‌خواهم همسر را از آنها دور کنم.	۰/۷۲۰		
۸۰	از وقت گذراندن با اعضای خانواده همسر لذت می‌برم.	۰/۷۱۷		
۱۰۲	خانواده همسر در رفتار با فرزندشان و من تبعیض قائل می‌شوند.	۰/۷۱۵		
۱۰۰	فکر می‌کنم خانواده همسر سایر عروس‌ها یا دامادهایشان را بیشتر از من دوست دارند.	۰/۷۱۱		
۹۷	اعضای خانواده همسر از این که همسر به من ابراز توجه و علاقه کند ناراحت می‌شوند.	۰/۶۹۸		
۷۱	در خانواده همسر فردی محبوب هستم.	۰/۶۹۱		
۷۸	احساس می‌کنم من هم عضوی از خانواده همسر هستم.	۰/۶۸۸		
۹۹	تا جایی که بتوانم سعی می‌کنم از خانواده همسر فاصله بگیرم.	۰/۶۸۴		
۹۶	خانواده همسر ترجیح می‌دهند همسر را در غیاب من ملاقات کنند.	۰/۶۷۷		
۸۵	خانواده همسر همیشه جویای احوال من هستند.	۰/۶۷۱		
۱۰۱	خانواده همسر معمولاً مسائل مهم خانواده را از من پنهان می‌کنند.	۰/۶۵۳		
۸۷	هنگام حضور در کنار اعضای خانواده همسر طوری با من برخورد می‌شود که احساس می‌کنم اضافی هستم.	۰/۶۳۵		
۷۲	خانواده همسر من را به عنوان عروس یا داماد خانواده، پذیرفته‌اند.	۰/۶۲۴		
۱۰۳	من و خانواده همسر تنها از طریق همسر با هم ارتباط برقرار می‌کنیم.	۰/۶۲۱		
۷۷	برایم مهم است که با خانواده همسر رابطه خوبی داشته باشم.	۰/۶۱۶		
۸۸	احساس می‌کنم اعضای خانواده همسر قصد دارند همسر را از من دور کنند.	۰/۶۱۶		
۶۰	خانواده همسر در شرایط دشوار از همسر حمایت می‌کنند.	۰/۶۱۲		
۹۰	اعضای خانواده همسر نزد همسر از من بدگویی می‌کنند.	۰/۶۱۲		
۶۳	برای خانواده همسر مهم است که همسر خوشحال و راضی باشد.	۰/۶۰۷		
۶۲	خانواده همسر (والدین یا خواهران و برادرانش) برای نظرات همسر اهمیت قائل می‌شوند.	۰/۶۰۱		
۷۵	خانواده همسر مایلند که من در تمام مناسبت‌های خانوادگی‌شان حضور داشته باشم.	۰/۵۸۹		
۵۹	مشکلات زندگی ما برای خانواده همسر مهم هستند.	۰/۵۷۶		
۷۴	برایم مهم است که همسر رابطه گرمی با خانواده‌اش داشته باشد.	۰/۵۶۱		
۵۸	همسر رابطه‌ای صمیمی با خانواده‌اش دارد.	۰/۵۳۵		
۵۷	همسر عضوی محبوب و مهم در خانواده‌اش است.	۰/۴۵۶		
۷۳	خانواده همسر با ازدواج من و همسر موافق بودند.	۰/۴۳۹		
۲۷	وقتی همسر تصمیمی می‌گیرد، برایش مهم است بدانند که خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) چه نظری نسبت به آن تصمیم دارند.	۰/۷۴۵		
۳۰	همسر قبل از هر تصمیمی نظر خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) را می‌پرسد.	۰/۷۰۸		
۲۹	همسر معمولاً برای شروع کردن هر کار بزرگی به تشویق و پشتیبانی خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) نیاز دارد.	۰/۷۰۱		
۳۴	وابستگی همسر به خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) نگران‌کننده است.	۰/۶۹۹		
۲۸	همسر خیلی تلاش می‌کند تا انتظارات خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) را برآورده کند.	۰/۶۸۶		

۰/۶۸۵		همسر معمولاً رفتارهایش را به خاطر خشنود کردن خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) تغییر می‌دهد.	۳۲
۰/۶۸۴		اگر خانواده همسر (والدین یا خواهران و برادرانش) تصمیمات همسر را تایید نکنند، همسر احساس ناامنی می‌کند.	۲۶
۰/۶۶۲		اعتماد به نفس همسر به این ربط دارد که خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) درباره او چگونه فکر می‌کنند.	۴۲
۰/۶۶۱		همسر خیلی تحت تاثیر خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) است.	۱۹
۰/۶۵۱		برای همسر تایید شدن کارهایش توسط خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) بسیار مهم است.	۲۴
۰/۶۴۴		میزان وابستگی همسر به خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) مشکلات زیادی در زندگی مشترک ما ایجاد کرده است.	۳۵
۰/۶۴۳		همسر تمام رویدادهای زندگی مشترکمان را به خانواده‌اش اطلاع می‌دهد.	۵۲
۰/۶۴۲		فقط در صورتی به همسر خوش می‌گذرد که خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) در کنارش باشند.	۵۰
۰/۶۳۴		همسر به خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) اجازه می‌دهد که برای زندگی ما تصمیم بگیرند.	۲۲
۰/۶۱۵		به نظر همسر خیلی نیازمند حمایت عاطفی خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) است.	۴۵
۰/۶۰۹		اگر من و همسر با هم تصمیمی بگیریم، همسر پس از صحبت با خانواده‌اش با آن تصمیم مخالفت می‌کند.	۲۳
۰/۶۰۷		همسر برای خشنود کردن اعضای خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) هر کاری لازم باشد می‌کند.	۲۵
۰/۶۰۵		همسر اصرار دارد خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) در تمام سفرها یا تفریحات، ما را همراهی کنند.	۳۳
۰/۵۹۸		همسر هر کاری می‌کند تا مانع ناراحتی اعضای خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) شود.	۴۱
۰/۵۸۹		همسر زمان زیادی را صرف ملاقات یا تماس تلفنی با خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) می‌کند.	۳۷
۰/۵۸۴		همسر همیشه در مورد خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) عذاب وجدان دارد.	۴۹
۰/۵۷۱		همسر مشاجراتمان را به خانواده‌اش اطلاع می‌دهد.	۵۴
۰/۵۶۸		همسر به من فشار می‌آورد تا برای اعضای خانواده‌اش خدماتی انجام دهم.	۱۷
۰/۵۵۴		حتی اگر همسر در کنار خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) نباشد هم به آنها فکر می‌کند.	۴۸
۰/۵۵۰		خانواده همسر می‌خواهند از تمام جزئیات زندگی ما اطلاع داشته باشند.	۵۳
۰/۵۳۸		اعضای خانواده همسر احساس تملک زیادی روی همسر دارند.	۵۶
۰/۵۲۴		همسر آنچه را که فکر می‌کند درست است انجام می‌دهد و تایید نشدن کارش از سوی خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) برایش مهم نیست.	۶۸
۰/۵۲۰		همسر با وجود آنکه عضوی از خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) است، مستقل از آنها فکر یا عمل می‌کند.	۱۰۵
۰/۵۱۷		میزان رفت و آمد ما با خانواده همسر آن قدر زیاد است که من و همسر به ندرت با هم تنها هستیم.	۳۱
۰/۵۱۰		خانواده همسر در مورد میزان و نحوه پول خرج کردن ما دخالت می‌کنند.	۳۹
۰/۴۷۴		همسر ترجیح می‌دهد که فقط با خانواده و اقوام خودش رفت و آمد داشته باشد.	۳۶
۰/۴۷۱		همسر به تنهایی (بدون حضور من) با خانواده‌اش رفت و آمد می‌کند.	۹۱
۰/۴۵۴		اگر اختلاف نظر یا بحثی بین همسر و خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) رخ دهد، او شدیداً ناراحت می‌شود.	۴۴
۰/۴۳۹		در صورت لزوم همسر می‌تواند برخلاف نظر خانواده‌اش (والدین یا خواهران و برادرانش) تصمیم بگیرد.	۶۶
۰/۴۱۴		رفتارهای همسر با من در حضور خانواده‌اش، کاملاً متفاوت از رفتارهایش در غیاب آن‌هاست.	۴۳

ادامه جدول ۳

۰/۷۷۰			فکر می‌کنم من و همسر صمیمی‌ترین دوستان یکدیگر هستیم.	۴
۰/۷۶۹			همسر مشکل من را مشکل خودش می‌داند.	۱۰
۰/۷۴۹			هنگام بروز مشکلات، همسرم بزرگ‌ترین حامی من است.	۷
۰/۷۲۸			همسرم با من صادق است.	۵
۰/۷۰۹			بین من و همسرم پیوندی قوی و پایدار وجود دارد.	۱
۰/۶۹۷			من و همسرم بسیار به هم اعتماد داریم.	۳
۰/۶۸۴			اگر مشکلی داشته باشم، همسرم به راحتی خودش را کنار می‌کشد.	۱۸
۰/۶۷۱			اگر با خانواده همسرم دچار مشکلی شوم، روی کمک همسرم می‌توانم حساب کنم.	۹
۰/۶۴۱			همسرم رابطه مطلوبی با خانواده من دارد.	۱۰۷
۰/۶۲۹			احساس می‌کنم برای همسرم یک غریبه هستم.	۱۳
۰/۶۰۴			فکر می‌کنم همسرم در کنار من است نه در جبهه مقابل من.	۱۰۴
۰/۵۹۱			همسرم نزد خانواده‌اش از من تعریف و تمجید می‌کند.	۸
۰/۵۸۰			احساس می‌کنم من مهمترین فرد در زندگی همسرم هستم	۲
۰/۵۷۱			همسرم از من در برابر بدرفتاری‌های خانواده‌اش حمایت می‌کند.	۶
۰/۵۵۱			همسرم خیلی از مسائل را از من پنهان می‌کند.	۱۲
۰/۵۱۳			همسرم همیشه من را در ایجاد مشکلات مقصر می‌داند.	۱۴
۰/۴۷۰			همسرم نزد خانواده‌اش از من بدگویی می‌کند.	۱۱

پایایی

برای بررسی پایایی پرسش‌نامه نهایی از دو روش همسانی درونی و روش آزمون - بازآزمون استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای تمام سؤالات پرسش‌نامه ۰/۹۸ بود و برای زیرمقیاس‌های اتحاد، مرز و پیوستگی به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۵، ۰/۹۶ و ۰/۹۷.

برای بررسی پایایی آزمون به شیوه آزمون - بازآزمون، از ۲۹ فرد متأهل (۹ مرد و ۲۰ زن) که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، خواسته شد برای دو بار با فاصله زمانی ۱۵ روز به پرسش‌نامه پاسخ دهند. ضریب پایایی پس از ۱۵ روز برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۶، و برای زیرمقیاس‌های اتحاد، مرز و پیوستگی به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۵، ۰/۹۴ و ۰/۹۰.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین سه عامل مستخرج از پرسش‌نامه

عامل اول (پیوستگی)	عامل دوم (مرز منعطف)	عامل سوم (اتحاد)	
۱			عامل اول (پیوستگی)
۰/۴۸۷	۱		عامل دوم (مرز منعطف)
۰/۵۸۵	۰/۶۱۶	۱	عامل سوم (اتحاد)

جدول ۴ میزان همبستگی بین سه عامل مستخرج را نشان می‌دهد. کلیه ضرایب همبستگی در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های فاز اول پژوهش حاضر و حجم وسیعی از پژوهش‌های پیشین، به نظر می‌رسد که وضعیت خانواده در جامعه کنونی ایران، حالتی بین وضعیت گسترده و هسته‌ای است (آزادارمکی^{۳۵}، ۱۳۸۶؛

محسنی و پوررضا انور^{۳۶}، ۱۳۸۲). این بدان معناست که با وجود سکنی گزیدن اغلب همسران ایرانی در منزلی مجزا از دو خانواده اصلی، حضور پررنگ خانواده‌های اصلی همسران در زندگی زناشویی آن‌ها احساس می‌شود (زرگر و نشاط‌دوست، ۱۳۸۶؛ سامانی، ۱۳۸۶؛ صادقی و همکاران، ۲۰۱۲؛ عباسعلی‌زاده، ۱۳۸۹؛ قطبی و همکاران، ۱۳۸۳؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد که توجه به این مهم در تمام مطالعات و مداخلات خانواده در ایران لازم و ضروری است. بنابراین وجود ابزارهایی که علاوه بر سنجش کیفیت تعاملات همسران با یکدیگر، به ارزیابی تعاملات آن‌ها با خانواده‌های اصلی خود و یکدیگر نیز توجه داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش به منظور تهیه یک ابزار سنجش بر اساس مدل سیستمی - مثلثی انجام گردید. همان‌طور که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، پرسش‌نامه نهایی دارای ۸۷ گویه است که در آن ۳۵ گویه به سنجش پیوستگی بین پاسخ‌دهنده در خانواده همسرش اختصاص دارد. ۳۵ گویه به بررسی وجود مرز منعطف بین همسر فرد و خانواده همسرش می‌پردازد. در نهایت ۱۷ گویه نیز به بررسی وضعیت اتحاد بین فرد و همسرش می‌پردازد. همان‌طور که از توضیحات اخیر مشخص می‌شود، برای ارزیابی مدل سیستمی - مثلثی در رابطه یک زوج، لازم است که پرسش‌نامه توسط هر دوی آن‌ها پاسخ داده شود. بنابراین هر یک از آن‌ها روابط مثلثی خود، همسرش و خانواده همسرش را از منظر خویش گزارش می‌نماید. با بررسی پاسخ‌های هر دو زوج می‌توان تصویر نسبتاً جامعی از وضعیت روابط حاکم بر سیستم مثلثی آن‌ها به دست آورد.

با توجه به نظر مساعد متخصصان زوج‌درمانگر و خانواده‌درمانگر نسبت به روایی صوری پرسش‌نامه، وضعیت همسانی درونی مطلوب آن و میزان قابل توجه و بالای ضریب پایایی آزمون - بازآزمون این پرسش‌نامه، می‌توان گفت که ابزار مذکور برای استفاده در عرصه‌های بالینی و پژوهشی مناسب خواهد بود. از امتیازات ابزار مورد بحث آن است که ساخت این ابزار مبتنی بر نظریه و مصاحبه‌های صورت گرفته با افراد راضی و ناراضی از ارتباط با اقوام سببی (چراغی، ۱۳۹۳) و متخصصانی که به شکل مستمر در زمینه درمان همسران ایرانی فعالیت داشته‌اند، بوده است. بنابراین ماده‌های این ابزار حاصل گمانه‌زنی نبوده است، بلکه ساخت آن در جریان بررسی جامعی از تجارب افراد دخیل در آن رخ داده است. نکته مهم دیگر در ساخت این ابزار، حساسیت فرهنگی آن است؛ زیرا از آنجا که رفتارهای افراد، کیفیت تعاملات آن‌ها با یکدیگر و حتی مفهوم خانواده و روابط حاکم بر آن موضوعاتی وابسته به فرهنگ محسوب می‌گردند (هاتفیلد و همکاران، ۲۰۰۷)، لازم است در استفاده از ابزارهای سنجش این موضوعات نیز تناسب فرهنگی ابزارها را در گروه هدف، مورد توجه قرار داد.

موضوع مهم دیگر آن است که در روند ساخت این ابزار به گونه‌ای مدل سیستمی - مثلثی نیز مورد بازبینی و تأیید قرار گرفت. به این ترتیب که مؤلفان در ساخت ابزار مدل سیستمی - مثلثی را به عنوان چارچوب طراحی گویه‌ها قرار دادند. این امر در تهیه مخزن گویه‌ها و درخواست از متخصصان برای بارش ذهنی در طراحی سؤالات نیز لحاظ گردید. بنابراین مخزن گویه‌ها خود شامل سه بخش گویه‌های مربوط به اتحاد، پیوستگی و مرز می‌گردید. پس از انجام تحلیل‌های آماری، بر اساس نمودار اسکری و استفاده از قاعده آرنج نیز راه‌حل سه عاملی مناسب به نظر می‌رسید. پس از انتخاب راه‌حل سه‌عاملی و چرخش عامل‌ها نیز مشاهده شد که سه عامل به دست آمده معرف سه ضلع مورد نظر پیوستگی، مرز و اتحاد بودند. ذکر این نکته

مهم است که از بین گویه‌های مرتبط با هر بخش از مخزن گویه‌ها به جز چند مورد معدود، سایر گویه‌ها روی عامل مرتبطی که برای آن طراحی شده بودند، بارگذاری شدند. به این معنی که اگر گویه‌ای برای سنجش ضلع خاصی از مدل سیستمی - مثلثی طراحی شده بود، پس از انجام تحلیل عوامل و چرخش عوامل، روی عامل معرف همان ضلع بارگذاری می‌شد. در این میان چند مورد استثنا وجود داشت.

از مواردی که گویه‌ها روی عامل معرف ضلع مدل سیستمی - مثلثی بارگذاری نشدند، می‌توان به گویه‌های شماره ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۲ اشاره کرد که پس از چرخش عوامل روی عامل اول یعنی پیوستگی بارگذاری شدند، در حالی که گویه‌های مذکور درباره صمیمیت همسر میانجی با خانواده‌اش و جایگاه مهم او در میان خانواده‌اش و مورد حمایت قرار گرفتن از جانب آن‌ها در شرایط دشوار می‌باشد. بر اساس مدل سیستمی - مثلثی که در فاز اول پژوهش حاضر به آن پرداخته شد، رابطه صمیمی همسر میانجی با خانواده‌اش یکی از زیرمقوله‌های مرز منعطف تعریف شده بود، در حالی که در نتایج تحلیل عوامل، شاهد هستیم که این گویه‌ها روی عامل پیوستگی بارگذاری شدند. می‌توان این امر را چنین تعبیر کرد که از آنجا که همسر فرزند به واسطه ازدواج با همسر میانجی به خانواده همسر وارد می‌شود، می‌توان انتظار داشت که در شرایطی که خانواده همسر برای همسر میانجی جایگاه مهمی در خانواده قائل نباشند، به تبع آن همسر فرزندشان را نیز چندان گرمی نخواهند داشت. این امر می‌تواند به نوبه خود باعث ایجاد موقعیت‌های تعارض زیادی بین همسر فرزند و خانواده همسر گردد. چون همسر فرزند در خانواده همسرش جایگاه مهمی برای خود نمی‌بیند و این امر موجبات رنجش او را فراهم خواهد آورد. از طرفی معمولاً در چنین شرایطی وقتی همسر فرزند به کرات شاهد آن است که خانواده همسرش، همسرش را مورد توجه و حمایت خود قرار نمی‌دهند، نسبت به آن‌ها احساسات منفی زیادی پیدا می‌کند که می‌تواند مقدمات ایجاد چرخه‌های نامطلوب بین او و آن‌ها را فراهم کند.

نکته مهم دیگر در نتایج تحلیل عوامل آن بود که با وجود آن‌که سه عامل مستخرج یا همان سه ضلع مدل سیستمی - مثلثی (اتحاد، مرز و پیوستگی) با یکدیگر همبستگی قابل توجهی نشان می‌دادند، اما سه عامل مجزا از هم بودند. این یافته می‌تواند به عنوان شاهدی برای غلبه قانون سیستمی بر روابط سببی باشد. همان‌طور که در مدل سیستمی - مثلثی (چراغی، ۱۳۹۳) نیز توضیح داده شده است، حرکت و موضع‌گیری هر یک از اضلاع مدل بر واکنش‌های سایر اضلاع تاثیرگذار خواهد بود. این امر موجب رقص گروهی بین همه اجزای سیستم می‌گردد. در مواردی که اعضای مدل به شیوه مناسب و هماهنگ با سایر اعضای مدل حرکت می‌کنند، کل سیستم وضعیت متعادل و باثباتی را تجربه خواهد کرد. از طرفی رقص ناهماهنگ اعضای سیستم به برخورد اجزای مدل و اضلاع به یکدیگر و ایجاد تنش در روابط حاکم بر سیستم و در نهایت بی‌ثباتی کل سیستم منجر خواهد شد.

از طرفی وضعیت حاکم بر هر ضلع مدل بر وضعیت رابطه در سایر اضلاع اثرگذار خواهد بود. همان‌طور که در پژوهش چراغی (۱۳۹۳) توضیح داده شده است، رسیدن به وضعیت تعادل در کل مدل نیازمند تلاش همه اجزا به شکل هماهنگ با یکدیگر است. بنابراین در گام اول هر یک از همسران باید مرز منعطفی با خانواده اصلی خود تشکیل دهند. در اینجا مهم است که خانواده به فرزندش رخصت فاصله گرفتن از خانواده اصلی و نزدیک شدن به همسر فرزند را بدهد. گام بعدی شکل‌گیری اتحاد بین همسران است. طبیعی است که وقتی

همسران نمی‌توانند تا حدی از خانواده اصلی خود فاصله بگیرند و متمایز شوند، شانس ایجاد اتحاد با همسر خود را تا حد زیادی از دست می‌دهند. از طرفی وقتی همسران میانجی قادر به برقراری تعادل در رابطه با همسر و خانواده اصلی‌شان نباشند، به تیرگی روابط بین همسر و خانواده‌شان دامن خواهند زد. فقدان اتحاد بین همسران نیز می‌تواند بر انگیزه‌های هر یک از آن‌ها در نزدیک شدن به خانواده طرف مقابل و ایجاد پیوستگی با آن‌ها تأثیر منفی داشته باشد. بدین ترتیب می‌توان درک کرد که چگونه اضلاع مدل سیستمی - مثلثی به یکدیگر تنیده‌اند و با یکدیگر همبسته‌اند.

نکته قابل توجه دیگر در نتایج تحلیل عاملی آن است که از بین سه عامل مستخرج، اولین عامل پیوستگی بود که به تنهایی قادر به تبیین ۳۲/۹۶ درصد از واریانس کل می‌باشد. این امر در نتایج حاصل از پژوهش چراغی (۱۳۹۳) نیز منعکس شده بود. به این معنی که ضلع پیوستگی در مدل سیستمی - مثلثی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به شکلی که در رقم زدن وضعیت نهایی سیستم، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کرد. این مسئله نیز بر نتایج حجم قابل توجهی از پژوهش‌هایی که به اهمیت کیفیت رابطه با خانواده همسر در وضعیت سازگاری زناشویی همسران ایرانی اشاره دارند، صحه می‌گذارد.

سخن آخر این که به نظر می‌رسد مدل سیستمی - مثلثی که به شیوه کیفی و با به کارگیری شیوه نظریه زمینه‌ای پدیدار شد (چراغی، ۱۳۹۳)، با یافته‌های حاصل از این فاز پژوهش نیز هماهنگ می‌باشد. در این پژوهش نیز ابزار سنجشی بر پایه نظریه مذکور ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد بررسی واقع شد. یافته‌ها حاکی از صلاحیت ابزار ساخته شده برای ارزیابی مؤلفه‌های مدل سیستمی - مثلثی در همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد که این ابزار برای استفاده در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی مناسب خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Bolhari, Ramezanzadeh, Abedinia, Naghizadeh, Pahlavani & Saberi
2. Cheraghi, Mazaheri, Moutabi, Panaghi, Sadeqi & Salmani
3. Sadeghi, Mazaheri, Mootabi & Zahedi
4. Mazaheri, Sadeghi, Roshan, Ashtariyan, Ahmadi, Hamidi, ..., Panaghi
5. Fatehizadeh, Behjati & Nasr
6. Samani
7. Zargar & Neshat-Doost
8. Ghotbi, Holakouei Naeini, Jazayeri & Rahimi
9. Abbasalizadeh
10. Evaluation and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness
11. Dyadic Adjustment Scale
12. Marital Adjustment Test
13. Sprecher, Wenzel & Harvey
19. Cheraghi, Mazaheri, Mootabi, Panaghi & Sadeghi
20. Cheraghi, Mazaheri, Mootabi, Panaghi & Sadeghi
21. Munro
22. Item pool
23. Family of Origin Scale
24. Hovestadt, Anderson, Piercy, Cochran & Fine
25. The family Environment Scale
26. Moos & Moos
27. The differentiation of Self Inventory
28. Skowron & Schmit
29. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
30. Bartlett's Test of Sphericity
31. Principal Component Analysis
32. Varimax Rotation

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| 14. Olson, De Frain & Skogrand | 33. Eigen value |
| 15. Greeff | 34. Elbow Rule |
| 16. Hatfield, Rapson & Martel | 35. Azad Armaki |
| 17. Pfeifer, Miller, Li & Hsiao | 36. Mohseni & Pourreza Anvar |
| 18. Cheraghi | |

منابع

- آزادارمکی، ت. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- بوالهروی، ج.، رمضان زاده، ف.، عابدی‌نیا، ن.، نقی زاده، م.، پهلوانی، ه. و صابری، م. (۱۳۹۱). بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، ۱۸(۱)، ۸۳-۹۳.
- چراغی، م. (۱۳۹۳). *سبک‌های ارتباط با خانواده همسر در زوجین ایرانی و طراحی و بررسی اثربخشی بسته مداخله‌ای مبتنی بر فرهنگ بر سازگاری زناشویی و کیفیت ارتباط با خانواده همسر*. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه شهید بهشتی.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل. و صادقی، م. (۱۳۹۳). مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۴۰)، ۴۷۴-۴۵۱.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل. و صادقی، م. (۱۳۹۴a). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متاهل ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۴۱)، ۳۲-۷.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، ع.، موتابی، ف.، پناغی، ل.، صادقی، م.، و سلمانی، خ. (۱۳۹۴b). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. *راهبرد فرهنگ*، ۳۱، ۹۹-۱۲۵.
- زرگر، ف. و نشاط‌دوست، ح. ط. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱، ۷۴۹-۷۳۷.
- سامانی، س. (۱۳۸۶). بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در گروهی از دانشجویان متاهل در دانشگاه شیراز. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۳)، ۶۶۸-۶۵۸.
- عباسعلی‌زاده، ع. (۱۳۸۹). *صحنه‌هایی از بگومگوهای همسران*. تهران: قطره.
- فاتیحی‌زاده، م.، بهجتی‌اردکانی، ف.، و نصر اصفهانی، ا. ر. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. *فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۶(۱)، ۱۳۶-۱۱۷.
- قطبی، م.، هلاکویی‌نایینی، ک.، جزایری، ا.، و رحیمی، ع. (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد. *رفاه اجتماعی*، ۳(۱۲)، ۲۸۶-۲۷۱.
- محسنی، م. و پوررضا انور، ا. (۱۳۸۲). *ازدواج و خانواده در ایران*. تهران: آرون.
- مظاهری، م.، ع.، صادقی، م.، روشن، م.، اشتریان، ک.، احمدی، ع.، ... و پناغی، ل. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق در کشور*. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

Abbasalizadeh, A. (2010). [Scenes of Debates between Spouses]. Tehran: Qatreh [in Persian].

- Azad Armaki, T. (2007). [*Sociology of the Iranian Family*]. Tehran: SAMT [in Persian].
- Bolhari, J., Ramezanzadeh, F., Abedinia, N., Naghizadeh, M., Pahlavani, H., & Saberi, S. (2012). [To Explore Identifying the Influencing Factors of Divorce in Tehran]. *Iranian Journal of Epidemiology*, 8(1), 83-93 [in Persian].
- Cheraghi, M. (2015). *Relationship Styles with In-laws in Iranian Couples and the Effectiveness of a Culture-Based Interventional Package on Marital Adjustment and Quality of Relationship with In-laws*. Doctoral thesis in Clinical Psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M. S. (2014). [The Relationship with In-laws: Comparison in two Groups of Satisfied and Dissatisfied People of that Relationship]. *Journal of Family Research*, 10(4), 451-474 [in Persian].
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M. S. (2015a). [Comparison of relationship with in-laws in Iranian married women and men]. *Journal of Family Research*, 11(1), 7-32 [in Persian].
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Moutabi, F., Panaghi, L., Sadeqi, M. S., & Salmani, K. (2015b). [Prediction of marital satisfaction on the basis of quality of spouses' relationships with the two main families]. *Strategy for Culture*, 31, 99-125 [in Persian].
- Fatehizadeh, M. A. S., Behjati, F., & Nasr, A. R. (2005). [Studying the effect of familial factors on law divorce statistics in Yazd, Ardakan & Meibod]. *Studies in Education and Psychology*, 6(1), 117-136 [in Persian].
- Ghotbi, M., Holakouei Naeni, K., Jazayeri, A., & Rahimi, A. (2004). [Evaluation of Divorce and its Factors in Divorced Person Lived in Doulat Abad (Tehran)]. *Social Welfare*, 3(12), 271-286 [in Persian].
- Greeff, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21(8), 948-963.
- Hatfield, E., Rapson, R. L., & Martel, L. D. (2007). Passionate Love and Sexual Desire. In S., Kitayama & D., Cohen (Eds), *Handbook of Cultural Psychology*. (pp. 500-528). New York: Guilford.
- Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11, 287-297.
- Mazaheri, M. A., Sadeghi, M. S., Roshan, M., Ashtariyan, K., Ahmadi, A ... Panaghi, L. (2008). [*Policies, solutions, and strategies for controlling and reducing the divorce in Iran*]. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution [in Persian].
- Mohseni, M., Pourreza Anvar, A. (2003). [*Marriage and Family in Iran*]. Tehran: Arvan [in Persian].
- Moos, R., & Moos, B. (1994). *Family Environment Scale Manual: Development, Applications, Research* (Third Edition). Palo Alto, CA: Consulting Psychologist.
- Munro, B. H. (2001). *Statistical Methods for Health Care Research*. New York: Lippincott.

- Olson, D. H., De Frain, J., Skogrand, L. (2011). *Marriages and Families: Intimacy, Diversity, and Strengths*. New York: McGraw-Hill.
- Pfeifer, L., Miller, R. B., Li, T., & Hsiao, Y. (2013). Perceived Marital Problems in Taiwan. *Contemporary Family Therapy*, 35, 91-104.
- Sadeghi, M. S., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., & Zahedi, K. (2012). Marital Interaction in Iranian Couples: Examining the Role of Culture. *Journal of Comparative Family Studies*, 43(2), 281-300.
- Samani, S. (2008). [The Important Factors of Marital Conflict between Married Students in Shiraz University]. *Journal of Family Research*, 3(3), 657-668 [in Persian].
- Skowron E. A., & Schmit T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI Fusion with Others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 203(29), 209-222.
- Sprecher, S., Wenzel, A., & Harvey, J. (2008). *Handbook of Relationship Initiation*. New York: Taylor & Francis Group.
- Zargar, F., & Neshat-Doost, H. T. (2008). [Divorce Incidence Factors in Falavarjan Township]. *Journal of Family Research*, 3(3), 737- 749 [in Persian].